

ایران و جهان



از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، تألیف دکتر عبدالحسین نوائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹ ش، ۸۵۵ ص، وزیری، تیراژ ۴۹۰۰ نسخه، جلد دوم، بهاء ۴۰۰ تومان، انتشارات نشرهما.

کتاب ایران و جهان آینه تمام‌نمایی از مناسبات ایران با سایر دول جهان است که از آغاز تسلط مغولها بر این سرزمین تا پایان عهد قاجاریه ادامه می‌یابد. این کتاب در ۳ جلد تدوین شده است. در جلد اول مؤلف تاریخ این روابط را از دوره هجوم و تسلط مغولان تا زمان قاجاریه بررسی کرده؛ و در جلد دوم به وقایعی پرداخته که از تأسیس دولت قاجار تا پایان دوره حکومت ناصرالدین شاه روی داد؛ جلد سوم نیز اختصاص دارد به پیدایش مشروطیت و ادامه آن تا پایان دوره قاجار.

مطالب کتاب را می‌توان در چهار بخش خلاصه کرد: در بخش نخستین کتاب از چگونگی به قدرت رسیدن قاجاریه و تاریخ تأسیس حکومت آنان در ایران و به سلطنت رسیدن محمدخان قاجار سخن گفته است. و هر چند مورخان فعالیت‌های

سلسله قاجار را در جهت تأسیس حکومتی مستقل به سالهای آخر قرن ۱۸ م بازمی‌گرداند؛ یعنی، از آن زمان که آقامحمدخان قاجار در سال ۱۱۹۳ ق/ ۱۷۷۹ م اقدام به ایجاد دولت جدید در ایران کرد. کار این سلسله از آغاز قرن ۱۹ رونق می‌گیرد، و با تاجگذاری آقامحمدخان قاجار در ۱۲۱۰ ق/ ۱۷۹۵ م به کمال خود می‌رسد؛ و ایران پس از یک دوره طولانی، که حکومت‌های ملوک‌الطوایف افشاریه و زندیه بر آن مسلط بودند، صاحب یک دولت قدرتمند مرکزی می‌گردد و حکومتی یکپارچه پی‌ریزی می‌گردد.

در این دوره پرآشوب ایران درگیر سیاست بین‌المللی شد؛ آن هم زمانی که قدرت و نظام پیشین را نداشت و خواه ناخواه در برابر زور نظامی و قدرت علمی و فشار اقتصادی خارجیان سپرداخت. و چنین بود که هر وقت بر خورد نظامی یا سیاسی برای این کشور پیش آمد از آن زیان دیدیم، زیرا از آن همه وقایع و اتفاقات سیاسی و اجتماعی و پیشرفتهای علمی و فرهنگی و اقتصادی که در قرن پر حادثه ۱۸ میلادی اتفاق افتاده بود ایران و ایرانی کوچکترین اطلاعی نداشت؛ و وقتی آقامحمدخان قاجار تخت و تاج ایران را از زندیه گرفت، نه فقط به این گونه مسائل و روابط نمی‌اندیشید؛ بلکه از آنها خبر نداشت. و بی‌یقین و قوف وی بر مسائل سیاسی اروپا و جهان بیش از ملک شاه سلجوقی و یا رستم بیگ آق‌قویونلو یا کریم خان زند نبوده است. (۷ - ۱۰)

بخش دوم کتاب مربوط است به دوره حکومت فتحعلیشاه قاجار که پس از آقامحمدخان قاجار به سلطنت رسید. وی که بحق از پادشاهان بی‌لیاقت ایران بوده نه تنها نتوانست سرزمینهای از دست رفته را به ایران بازگرداند - کاری که محمدخان قاجار نتوانست انجام دهد - بلکه ضعف و زبونی و عشرت طلبی او ایران را به سوی چنان انحطاطی برد که دوباره قسمتهای مهمی از این کشور جدا گردید. در این دوره بود که از یکسو انگلستان و آلمان و فرانسه، و از سوی دیگر روسیه تزاری در ایران به تاخت و تاز پرداختند. در این دوره قراردادهای ننگینی به نفع انگلیس و روسیه در ایران بسته شد که مهمترین و ننگینترین آنها قراردادهای «گلستان» و «ترکمانچای»

است که به موجب آنها اراضی گوکچه، ایروان و تمامی ولایات شمالی ارس از دست رفت و به خاک روسیه ملحق شد. در این دوره کاپیتولاسیون هم بر ایران تحمیل گردید. (۲۷۰ - ۲۷۱). در قبال وزیرمختارها و سفرای کارگشته و سیاستمدار و آگاهی چون سرجان ملکم که از جانب انگلیس در ایران مأموریت داشتند، افرادی بیسواد و ناآگاه و دور از سیاست و تاجرپیشه و خودفروخته‌ای چون میرزا خلیل خان و محمدنسی و مانند اینها از جانب ایران به عنوان سفیر به آن کشورها و با مستعمرات آنها فرستاده می‌شدند و از طرف کمپانی هند شرقی حقوق برایشان تعیین می‌شد تا گزارشهای سیاسی و اقتصادی کشور را در اختیار کمپانی بگذارند و در ایران هم به نفع اجانب اعمال نفوذ کنند! از این رو، فتحعلیشاه ناپخته و ضعیف‌النفس که در زیر فشار این دو دولت قدرتمند به تنگ آمده بود به ناپلئون بناپارت روی آورد، غافل از اینکه ناپلئون هم با این دو قدرت استعماری همداستان است. شاید اگر وزیر هوشمند عباس میرزا، میرزا عیسی قائم مقام اول، معروف به میرزا بزرگ فراهانی، و همت و آگاهی عباس میرزا نبود ایران در آن دوره بیش از اینها خسارت می‌دید (۲۵۲ - ۲۸۵).

بخش سوم کتاب از زمان به سلطنت رسیدن محمدشاه، پسر فتحعلیشاه، است که از سلف خود بدتر و ضعیف‌النفستر و آلت دست ملکه و سوگلیهای خویش بود، به صورتی که شخصیتی چون میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، وزیر هوشمند وی، نه تنها نتوانست کاری برای ایران انجام دهد، بلکه خود نیز قربانی هوسهای سوگلیهای محمدشاه گردید و کشته شد. پادشاهی بدین حد نالایق قصد داشت هرات را فتح کند! لشکرکشی وی به هرات و محاصره آن شهر، که باز هم به تحریک خارجیان انجام گرفت، نتیجه‌ای جز خسارت جبران ناپذیر به بار نیاورد و موجب شد که انگلستان به عنوان باج خواهی به خلیج فارس لشکرکشی کند. دوره محمدشاه سراسر بر است از فتنه‌های پی در پی در این کشور. از جمله «فتنه باب» در ۱۲۶۰ ق در شیراز. فتنه‌گران این دوره عبارت بودند از مأموران مخفی انگلستان و روسیه که در تاریخ ایران به عنوان خفیه‌نویسان انگلیس و روس معروف شده‌اند.

ایران، که در لباس بازرگان، باستان شناس، جهانگرد، روحانی و کشیش به ایران می آمدند، عاملان اصلی ایجاد اغتشاش و بلوا و اختلاف بودند (۳۶۷ - ۳۹۰).
پیدا شدن صنعت چاپ هم در همین دوره‌ها است (ص ۳۱۰). اولین روزنامه ایران (کاغذ اخبار) نیز از یادگارهای این دوره است.

بخش چهارم درباره یکی از پرآشوبترین و طولانیترین دوره‌هایی است که از زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار آغاز می‌گردد و تا پایان زندگی وی، به مدت ۴۹ سال، ادامه می‌یابد. ناصرالدین شاه در ۱۲۶۴ ق به سلطنت رسید در حالی که جوانی بیش نبود. او که دست پرورده امیرکبیر بود، مردی باهوش و در ابتدا علاقه مند به پیشرفت کشور و مردم بود و از همان آغاز نیز با انتخاب امیرکبیر به صدارت عظمی نشان داد که قصد دارد کشتی شکسته ایران را از طوفان حوادث نجات دهد؛ اما درباریان و اطرافیان و حکام دغل پیشه و نیز استعمارگران بزودی دست به کار شدند و به کارشکنی پرداختند. نوآوریهای امیرکبیر در زمانی انجام می‌گرفت که ایران عرصه رقابتهای شدید دو امپراطوری قدرتمند روس و انگلیس در آسیا بود. کوششهای ناصرالدین شاه و امیرکبیر در جهت پیشرفت و ترقی ایران و ایجاد توازن در روابط سیاسی با دول بیگانه عقیم ماند، و سرانجام بر اثر دسیسه‌های آنان و رجال چاپلوس و ملکه مادر، امیر معزول گشت و پس از چندی شاه در حال مستی و ناهشیاری حکم قتل وی را صادر کرد (۵۰۱ - ۵۹۷). پس از امیرکبیر وزیرانی نالایق به صدارت رسیدند که نه تنها قدمی در راه پیشرفت ایران برنداشتند، بلکه آثار اصلاحات و اقدامات امیرکبیر را نیز برناتافتند و به محو و نابودی آنها کمر بستند. ناصرالدینشاه هنوز میل داشت که با ایجاد ارتباط با آمریکا سیاست موازنه ارتباط را برقرار سازد اما کمتر توفیق یافت. اعزام حاجی حسینقلی خان معتمدالوزاره، کوچکترین پسر میرزا آقاخان نوری صدراعظم نالایق، در سال ۱۳۰۳ ق به عنوان وزیرمختار ایران به واشنگتن، که بعدها به «حاجی واشنگتنی» معروف شد، و آمدن نخستین سفیر آمریکا به ایران، که بنجامین نام داشت، کوششی در همین راستا بود.

پس از دوره‌ای طولانی، ناصرالدینشاه فردی به نام میرزا حسین خان قزوینی، ملقب به مشیرالدوله و سپهسالار اعظم، که از تشنگان تمدن غرب بود، به صدارت برگزید. او اصلاحات بزرگی را در ایران آغاز کرد. اما سپس وی که بیشتر به غرب متمایل بود قراردادی با دولت انگلیس به امضا رسانید (قرارداد روتر) که تا آن تاریخ هیچکس جرأت آن را نیافته بود. این قرارداد نزدیک بود ایران را واقعاً در سراشیب سقوط حتمی قرار دهد و رسماً ایران را تحت الحمايه و مستعمره انگلیس سازد. دامنه امتیاز این قرارداد به قدری گسترده بود که دنیا را به حیرت انداخت؛ خصوصاً روسها سخت از آن به وحشت افتادند؛ حتی خود انگلیسیها با ناباوری از آن یاد کرده‌اند. (۶۰۵ - ۶۵۰) البته این قرارداد با مخالفت شدید داخلی و خارجی مواجه شد و به شکست انجامید.

فصلهای پایانی کتاب مربوط است به نوآوریهای دوران ناصرالدینشاه و سرانجام کشته شدنش به دست میرزا رضای کرمانی که به نیم قرن سلطنت وی در ایران پایان داد. مؤلف در این کتاب از منابع بسیاری استفاده کرده است؛ بویژه از منابع تاریخی که در این دوره‌ها نوشته شده. از اسناد سیاسی نیز سود جسته و از سفرنامه‌های بسیار و خاطرات رجال سیاسی وقت استفاده نموده است. حروف چینی، چاپ و صحافی کتاب چشم‌نواز و گیر است.

علی رفیعی